

An Examination of the Role of Natural Factors in the Location and Development of the City of Baghdad (A.H. 145)

Abolfazl Salmani Govari¹  Farajullah Ahmadi² 

1. Corresponding Author, Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: af.soleymani@ut.ac.ir

2. Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: fahmadi@ut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 2023-06-05 Revised: 2023-11-16 Accepted: 2023-12-06 Available online 14 April 2025 Keywords: Baghdad, Geographical Location, Formation, Development, Abbasids	Throughout the history of urban planning, examining and understanding the natural and geographical characteristics of each region has played a major role in planning, site selection, settlement, development, and urban growth, while also helping to minimize military attacks and natural hazards. In this context, Mesopotamia—with its favorable living conditions, strategic location, proximity to ancient civilizations, accumulation of economic and cultural resources, long-standing urban settlements, and continuous spatial transformations throughout different historical periods—has been considered one of the most important centers of urban civilization in human history. Baghdad, due to its unique geographical position, becoming the center of the Islamic Caliphate with the rise of the Abbasid rule and changes in political authority across the Islamic world, has played a significant role in economic and political developments. The main question of this research is: What role did Baghdad's natural and geographical location play in its site selection, formation, and development? Using a descriptive-analytical approach, this study examines the impact of geographical factors on the construction and development of Baghdad. The results of the research indicate that, using geographical models and maps, it was determined that political and natural conditions, as well as environmental capacities and potentials—such as soil and vegetation, temperature and precipitation, land slope, elevation, water resources, and connectivity—played a significant role in the settlement and development of Baghdad. Moreover, the influence of these factors, in conjunction with the spatial changes that occurred, had a profound effect on the city's structure.

Cite this article: Salmani Govari, Abolfazl; Ahmadi, Farajullah (2025). An Examination of the Role of Natural Factors in the Location and Development of the City of Baghdad (A.H. 145), *Historical Studies of the Islamic World*. 33 (1), 6-29. <https://doi.org/10.22034/mte.2022.13314.1616>



© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22034/mte.2022.13314.1616>

Publisher: Al-Mustafa International University.

بررسی نقش عوامل طبیعی در مکان یابی و توسعه یافتن شهر بغداد (۱۴۵ هجری)

ابوالفضل سلمانی گواری^۱، فرج الله احمدی^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: af.soleymani@ut.ac.ir

۲. گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: fahmadi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

کلیدواژه‌ها:

بغداد،

موقعیت جغرافیایی،

شکل گیری،

توسعه،

عباسیان،

در طول تاریخ شهرسازی، بررسی و شناخت ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی هر ناحیه می‌تواند نقش عمده‌ای در امر برنامه‌ریزی، مکان‌یابی، استقرار، توسعه و رشد شهر ایفا نماید و از طرفی دیگر می‌تواند حمله‌های نظامی و مخاطره‌های طبیعی را به حداقل برساند. در این بین، میان‌رودان با توجه به شرایط زیست‌محیطی، وضعیت سوق‌الجیشی، همجواری تمدن‌های کهن، انباشت اقتصادی-فرهنگی و قدمت سکونتگاه‌های شهری و تغییرات فضایی که همواره در دوره‌های مختلف تاریخی رخ داده، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تمدن شهری در طول تاریخ بشر محسوب شده است. بغداد با قرارگیری در موقعیت خاص جغرافیایی منطقه با ظهور حاکمیت عباسیان و تغییرات حاکمیتی در جهان اسلام به‌عنوان مرکز خلافت اسلامی، نقش مهمی در تحولات اقتصادی-سیاسی جهان اسلام ایفا نموده است. سؤال اصلی این پژوهش این است که موقعیت طبیعی و جغرافیایی بغداد در مکان‌یابی، شکل‌گیری و توسعه آن چه نقشی داشته است؟ این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی، به‌تیین نقش موقعیت جغرافیایی در ساخت و توسعه بغداد خواهد پرداخت. نتایج پژوهش حاکی از آن است که با استفاده از مدل‌ها و نقشه‌های جغرافیایی مشخص گردید که موقعیت سیاسی، طبیعی، ظرفیت و پتانسیل‌های نظیر خاک و پوشش گیاهی، دما و بارش، شیب زمین، ارتفاع، منابع آبی و وضعیت ارتباطی نقش مهمی در استقرار و توسعه بغداد داشته است و نقش این مؤلفه‌ها با توجه به تغییرات فضایی که رخ داد، تأثیر به‌سزایی در بنای آن به همراه داشته است.

استناد: سلمانی گواری، ابوالفضل؛ احمدی، فرج الله؛ (۱۴۰۴). بررسی نقش عوامل طبیعی در مکان یابی و توسعه یافتن شهر بغداد (۱۴۵ هجری). مطالعات تاریخی

جهان اسلام ۳۳ (۱)، ۲۸-۶. <http://doi.org/10.22034/MTE.2022.13314.1616>



ناشر: جامعه المصطفی (ص) العالمیه. © نویسندگان.

۱- مقدمه

پیدایش شهر یکی از بزرگ‌ترین تحولات فرهنگ بشری و نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی-اقتصادی بود که موجب دگرگونی در روابط متقابل انسان با محیط پیرامون خود شده است. در خصوص علل شکل‌گیری اجتماعات مدنی نظریات متعددی بیان شده است که شهر را از جوانب مختلف نقد و بررسی کرده‌اند. به‌طور کلی قوانینی که با استفاده از تجربیات تمدن‌های گذشته، نیازهای فردی، اجتماعی و اقتصادی جامعه را برآورده می‌سازد، موجب شده است تا مؤرخان، جغرافی‌دانان، انسان‌شناسان و سیاست‌مداران دلایل مختلفی را برای ضرورت وجود شهر ارائه دهند که تعریف هر گروه متناسب با دیدگاه و عقاید آنان است.

حال با توجه به این دیدگاه، احداث شهرهای قدیم به‌منظور پاسخ‌گویی به نیازهایی مانند: مرکز نظام اداری و ساختاری نظامی برای کنترل حاکمیت، محلّی با برج و بارو برای حمایت و استقرار در مقابل تهاجم، مرکز تشکیل تمدن یکجانشینی و بالأخره ایجاد شهر به‌عنوان محلّ تجارت و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، تعریف‌هایی هستند که در دوره‌های مختلف، دلایلی برای اثبات وجود شهر به‌حساب آمده است؛ اما نقطه اشتراک همه شهرها با تمام خصایص و ویژگی‌های متفاوتشان، تمرکز و تجمع نیروهای انسانی در یک فضای مشخص است که با هدف برآورده‌ساختن خواسته‌های مشترکشان و در راستای تمدن‌شدن باهم به‌تعامل پرداخته و در جهت پیشرفت مدنی خود در تلاش بوده‌اند (اشرف، ۱۳۵۳، ۱۸-۲۱). در این میان عوامل متعددی در شکل‌گیری و مکان‌یابی وضعیت بنای شهرها دخیل بودند. با این توصیف انتخاب مکان شهر یکی از پیچیده‌ترین انواع تصمیم‌گیری‌های فضایی بود که خود در حوزه مدل‌های تصمیم‌گیری با عنوان تحلیل سازگاری زمین با نوع استفاده از آن و یا مکان‌یابی اراضی بهینه برای هر فعالیت قرار می‌گرفت. انجام مطالعات مکان‌یابی درست و مناسب به‌خصوص شناسایی شاخص‌های تأثیرگذار طبیعی (موقعیت جغرافیایی، شرایط آب و هوایی، دسترسی به منابع آبی، راه‌های ارتباطی) در فرآیند مکان‌یابی شهر، نقش مؤثری در توسعه پایدار داشته است (lassner.1968.26-28)؛ در این مقاله مروری بر سابقه بنای شهر بغداد و تأثیر عوامل محیطی و جغرافیایی، روند شکل‌گیری آن‌ها و شاخص‌های مکان‌یابی تأثیرگذار در رشد و توسعه آن شده است. در مورد پیشینه تحقیق تاکنون مقالاتی که با چنین رویکردی به موضوع پرداخته باشد، بسیار کم بوده است. مقاله‌ی بررسی تأثیر ساختار زیست محیطی بغداد بر بیماری و مرگ و میر در دوره (اول) خلافت عباسیان (۱۴۰۰) نوشته شکرالله خاکرند و زینب کریمی صرفاً به تأثیر ساختار محیطی بر بیماری‌ها پرداخته و در مورد شرایط طبیعی و توسعه شهر توضیحی ندارد. کتابی دیگر با نام بغداد (چند مقاله در تاریخ و جغرافیای تاریخی) (۱۳۷۵)، حاوی چهار مقاله تحقیقی ارزشمند در زمینه تاریخ و جغرافیای تاریخی بغداد است. بغداد از این جهت دارای اهمیت است که شناخت درست از اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حکومت پانصد ساله عباسی بدون آگاهی کامل از شهر بغداد ممکن نیست. این کتاب نیز تکیه بیشتر بر تحولات و تغییرات سیاسی در طول پنج

سده است و اشاره کوتاه به مساله موقعیت طبیعی و تاثیر بر توسعه شهر را دارد. لذا با توجه به رویکرد جغرافیایی ما اهمیت این موضوع بیش از پیش خواهد بود. از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و توسعه فیزیکی شهرها می‌توان به شرایطی از جمله موقعیت جغرافیایی، ارتفاع از سطح دریا، شکل ناهمواری، آب و هوا، دما و بارش سالیانه، خاک و پوشش گیاهی، شبکه آب‌ها و موقعیت ارتباطی آن‌ها اشاره کرد (اشرف، ۱۳۵۳، ۱۸-۱۵). هرکدام از این‌ها به صورت مجزا یا مشترک بر شرایط حاکم، جغرافیای منطقه و سیمای شهرها موثر بودند؛ در این میان خلفای عباسی با توجه به اهمیت موقعیت جغرافیایی و طبیعی، شهر بغداد را در مرکز بین‌النهرین بنا کردند که این شرایط موجب شکل‌گیری، استقرار و توسعه بغداد گردید. در ادامه به این مؤلفه‌های تأثیرگذار جغرافیایی و طبیعی در شکل‌گیری و توسعه آن خواهیم پرداخت:

۲- موقعیت و وجه تسمیه بغداد قبل از ظهور عباسیان

سابقه مدنیت و سکونت در بین‌النهرین به دوره باستان بازمی‌گشت که تغییرات سیاسی و اقتصادی، موجب اهمیت یافتن آن شده بود، آغاز عصر فتوحات و برآمدن امویان در شام تا حدودی جایگاه آن را متزلزل ساخت؛ با شکل‌گیری خلافت عباسی و انتقال قدرت به بین‌النهرین و تغییر فضای حاکمیتی موجب شد تا مجدداً موقعیت ویژه‌ای کسب نماید (Gibb &... 1986: 1/899_897). مورخین موقعیت بغداد را با بابل و گاهی با تیسفون یکی دانسته و در گزارش‌های خود آن را بابل، (بابلونیا) می‌خواندند (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۸-۶). بغداد واژه‌ای ایرانی مرکب از دو جزء *bag бага* و *dāda~dāt~dāta* به معنای «خداداد»، «آفریده خدا» که در فارسی باستان به صورت *baga.dāta*، در فارسی میانه به صورت *bkd't* تلفظ: *Baydad* یا به شیوه آوانویسی قدیم: *Bagdāt* آمده است. این واژه در سغدی *baga* به معنای خدا و جانشین «مهر» به کار رفته است (دایره المعارف بزرگ اسلامی. ذیل واژه بغداد). سابقه این نام در معنای اخیر به عصر هخامنشی باز می‌گردد و کتیبه‌های میخی رواج آن را تأیید می‌کنند، چنانکه به روزگار اردشیر دراز دست (۴۶۵-۴۲۵ ق م) از شهری به نام بیت بگ داته نزدیک نیپور یاد شده است. احتمالاً در عراق املاک دیگری نیز، متعلق به اشراف ایرانی، به نامهایی شبیه به این و رایج در آن روزگار موسوم بوده است. در تلمود هم از جایی به نام باگدات ظاهراً در همین سرزمین، یاد شده است (مسعودی، ۱۳۴۹: ۸۹۹-۸۹۷؛ مستوفی، ۱۳۷۸: ۳۴-۳۳).

اما مهم‌ترین و مشهورترین موضع موسوم به بغداد، شهر معروفی است در کنار دجله که از ایام منصور عباسی، مرکز خلافت اسلامی شد. نویسندگان دوره اسلامی درباره وجه تسمیه و اشتقاق واژه بغداد روایاتی آورده‌اند که غالباً عامیانه و بی‌اعتبار است؛ چون عربها کلمات غیر عربی را به صورتهای مختلف تحریف می‌کردند، اینجا را نیز به شکلهای بغداد، بغداد، بغداد و مغدان خوانده‌اند و حتی ضبط بغداد را در برخی اشعار عرب هم می‌توان دید. (خطیب، ۱/ ۵۹، ۶۲). درباره بغداد پیش از عصر اسلامی، به خاطر کمبود منابع ایرانی، اطلاعات اندکی در دست است، در عصر ساسانی، آباده‌ای از مراکز بازرگانی مداین بود و بازارهای بزرگ سالیانه در آن تشکیل

می شد و به همین سبب، در منابع کهن اسلامی از آن به صورت سوق بغداد هم یاد کرده اند. در سلسله جنگهای فتوحات اسلامی، از این موضع به کرات یاد شده است. چنانکه آورده اند در ۵۱۲ ه. / ۶۳۳ م، پس از پیکار دومه الجندل برخی از سران ایرانی از بغداد برای کمک به قبایل عرب هم پیمان خود، به انبار رفتند. در همین سال یا ۵۱۳ ه. مثنی بن حارثه به دلالت مردی از مردم حیره - که او را از اجتماع بازرگانان در بغداد آگهی می داد و آنجا را بیت المال آنان می خواند - این شهرک را به باد غارت داد. از این نکته که وی به جنگجویانش دستور داد از بغداد جز طلا و نقره برنگیرند و این غارتگران اموال بسیار به چنگ آوردند، میزان ثروت آنجا دانسته می شود (طبری، ۱۳۸۷، ۳ / ۳۷۹، ۳۸۵، ۴۷۲-۴۷۴؛ بلاذری، ۱ / ۲۴۷؛ خطیب، ۱ / ۲۶).

در برخی روایتها که آورده اند ایرانیان رستم فرخزاد و فیروزان را به سبب چیرگی عرب بر مناطقی چون بغداد، مورد سرزنش و تهدید قرار دادند (طبری، ۱۳۸۷، ۳ / ۴۷۷)، چنین برمی آید که این موضع دارای اهمیت نظامی یا اقتصادی بوده است. بغداد در سالهای بعدی نیز محل برخی حوادث مهم بوده است؛ چنانکه آورده اند در ۳۷ ق / ۶۵۷ م میان عبدالله بن وهب راسبی، فرمانده خوارج اولیه با یاران امام علی (ع) در بغداد جنگ شد. در همین روایت حتی از کرخ، محله بسیار مشهور و شیعه نشین بغداد عصر عباسی یاد شده است (همو، ۵ / ۷۶). در ۷۶ ق / ۶۹۵ م به روزگار عبدالملک مروان، در ایام جنگ خوارج با حجاج بن یوسف هم بغداد هنوز دایر بوده، و بازارهای مهم داشته است. بغداد از جمله مواضع ولایت سواد به شمار می رفت که برخی از فقها آن را مفتوح عنوه، و برخی مفتوح به صلح دانسته اند و به همین سبب درباره جواز خرید و فروش اراضی آنجا آراء متفاوت ابراز کرده اند (خطیب، ۱ / ۴، ۱۳-۱۶). فقها همچنین نام بغداد را بدان سبب که می گفتند بغ در اصل نام بتی بوده است، مکروه می داشتند و گویا به همین سبب وقتی منصور عباسی آن را در ۱۴۵ ق / ۷۶۲ م توسعه داد و بازسازی کرد و پایتخت گردانید، نامش را از بغداد به مدینه السلام تغییر داد؛ زیرا دجله را نیز در آن وقت وادی السلام می نامیدند (بلاذری، ۱ / ۲۸۵، ۲۹۳؛ خطیب، ۱ / ۵۸). گر چه نام کهن همچنان باقی ماند و شهرت و رواج بیشتر یافت. اما اینکه برخی گفته اند منصور نخستین بار آنجا را بغداد نامید، پیداست که وجهی ندارد (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۵۸۸/۱). در دوران اسلامی، بغداد را مدینه منصور، مدینه ابی جعفر و الزوراء نیز می خواندند (طبری، ۱۳۸۷، ۹ / ۳۱۹؛ خطیب، ۱ / ۳۹، ۱۴ / ۳۲۳).

۳- مکان یابی و علت بنای شهر

همواره در طول تاریخ تغییرات سیاسی و اجتماعی که در بستر جوامع رخ داده، موجب شده که هر حکومت جدیدی یا خاندانی که به قدرت رسیده، پایگاه یا پایتختی نو برای خود مهیا نمایند تا علاوه بر تأکید قدرت، موجودیت سیاسی خود را متمایز جلوه دهند. با ظهور حاکمیت عباسیان در منطقه بین النهرین و بنای بغداد به عنوان دارالخلافه، اهمیت سیاسی و اقتصادی آن دوچندان گردید. این شهر از اواسط سده دوم هجری به یکی از مراکز اصلی تحولات اقتصادی-سیاسی جهان اسلام تعیین شد که با توجه به قرارگیری در موقعیت

جغرافیایی خاص (مرز اتصال بین دوجهان شرق و غرب) نقش ممتازی در عرصه دگرگونی های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تحولات فرهنگی پیدا نمود (طبری، ۱۳۸۷: ۶۱۴/۷)؛ چنین به نظر می آید که انتخاب مکان استقرار عباسیان دلایل مختلفی داشت که ازجمله شرایط آن وضعیت استراتژیکی منطقه، موقعیت آب و هوایی، مکان جغرافیایی مناسب و خاک حاصلخیز بوده است. چنانچه یعقوبی در این باره می گوید: اعتدال هوا و حاصلخیزی زمین و آب گوارا شهری که نه مانند شام دارای آب و هوایی بد و زمین ناهموار و طاعون بسیار و نه مانند مصر که دارای آب و هوایی متغیر و باد بسیار و پر از بخارهای بد که منشأ تولید بیماری ها و فاسدشدن غذاهاست، نه مانند ارمنستان که دوردست، سردسیر و ناهموار که دشمنان پیرامون آن را گرفته اند و نه مانند جبل ناهموار پر برف و نه مانند خراسان که در خاور دور پیش رفته و از هر طرفش دشمن سرسخت بدان احاطه کرده و نه مانند حجاز که زندگی در آن دشوار است، بغداد دارای درختان تنومند و بارور، میوه های خوشمزه و سالم و کشت و زرع فراوان بود. (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۷-۴) موقعیت استراتژیکی، جغرافیایی و تجاری آن به لحاظ نزدیکی به دو رودخانه بزرگ دجله و فرات که از لحاظ بازرگانی اهمیت فوق العاده ای داشت و با این انتخاب می توانست بر تجارت جهانی سیطره و اشراف پیدا نماید. (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۱/۲۴-۲۲؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۱۷۹) این شهر درجایی بود که یک شبکه وسیع کانال های آبیاری به زمین های مزروعی گسترده ای آب می رسانید و آن ها را حاصلخیز و غنی می ساخت؛ از این رو غذای فراوان برای ساکنان شهر بزرگ و مالیات های زیادی برای حکومت تأمین می شد و از نظر استراتژیک نیز درخشان بود؛ (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۲۷۸؛ اصطخری، بی تا: ۵۹-۵۶) زیرا به راه هایی که به ایران و زمین های ماورای جزیره، قسمت شمالی عراق منتهی می شد، تسلط داشت. موقعیت دفاعی بغداد نیز اهمیت زیادی داشت، چنانچه دجله و فرات مانند یک خندق عمل می کردند و حالت تدافعی داشت (Gibb 1986: 1/906_908) در این میان عوامل سیاسی و شرایط امنیتی و اجتماعی ایجاب می کرد که پایتخت جدیدی بنا گردد؛ چراکه با آغاز قیام راوندیه در هاشمیه که محل تجمع شیعیان بود و گرایش به امام علی (ع) داشتند، منصور عباسی این شهر را مناسب برای پایتخت خود نمی دید. (دینوری، ۱۳۷۱ ش: ۴۲۴) (بلعمی، ۱۳۸۰: ۱۰۹۴/۴) عباسیان به جای اتکا و اعتماد به عرب های مستقر در شامات به نیروهای مرکب از اعراب مستقر در ایران و نومسلمانان یعنی «موالی» اتکا داشتند که بیشترشان اهل خراسان دوردست بودند. همچنین واضح بود که دمشق نمی توانست همانند گذشته خود، پایتخت سیاسی عالم اسلامی باشد؛ زیرا میان مردم این سرزمین علاقه و نفوذ معنوی امویان وجود داشت و نکته دیگر اینکه از مرکز خراسانیان طرفدار دولت عباسی بسیار دور بود (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۵۸-۵۶). با این توصیف چنین به نظر می آید که تغییرات و دگرگونی های سیاسی و جابه جایی فضایی که در سده دوم هجری رخ داد، در کنار موقعیت جغرافیایی آن، نقش پررنگی در انتخاب مکان بنای بغداد و تأسیس دارالخلافه عباسی داشته است.

۳-۱. خاک و کشاورزی

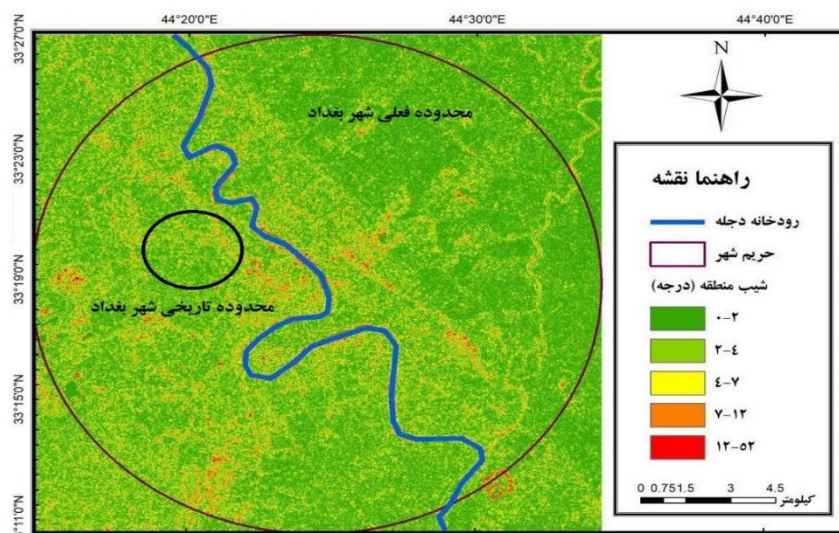
کشاورزی همواره به عنوان اولین منبع تأمین اقتصادی در جوامع پیشامدرن مطرح بوده است، با توجه به این مسئله، یکی از ارکان مهم زندگی بشر کشاورزی است که به عنوان عنصر مادّی شناخته شده و تا حدودی زیربنای جامعه به حساب می آید که در تدابیر اقتصادی از جایگاه بالایی برخوردار است. این خطّه (بین‌النهرین) در واقع از گستره خاکی بسیار وسیع و همواری پدید آمده است که از جانب مشرق در پناه چنبره عظیم زاگرس قرار دارد، در صورتی که از طرف غرب با شیبی ملایم به سوی بیابان شام بالا می رود. چهره خاک بین‌النهرین از بغداد تا خلیج فارس به صورت شگفت‌آوری متفاوت است و آب در آن، برخلاف جزیره، نقشی عمده دارد. ناهماهنگی این بخش با بیابان شام در طول انحنای بزرگی که از شمال غربی به جنوب شرقی امتداد دارد، چشمگیرتر است. در این خمیدگی که خود یک پیشدرّه نشستنی سنگی است، تختان پیش کامبرایی^۱ و پوشش رسوبی آن به زیر خاکریز آبرفتی فرورفته است. در پای زاگرس مخروط‌ها یا پنجه‌های آبرفتی^۲ عظیمی در کنار هم قرار دارند به طوری که تنها با ترازبایی‌های دقیق می توان از شکل و ابعاد آن‌ها تعریفی درست به دست داد. (Jacob Lassner, 1970: 39-41؛ زیرا شعاع پایه آن‌ها به حدی بزرگ و شیب آن‌ها به قدری کند است که شبیه دشت‌هایی با ابعاد نامحدود به نظر می آیند. این پنجه‌های آبرفتی که از دهانه تنگه‌های زاگرس یا از دره‌های عرضی چین‌خوردگی‌های کوهستانی واقع در دامنه این رشته‌کوه آغاز می شود، برای زندگی مردم دارای اهمیت بسیار بوده است؛ زیرا آبشان بخوبی زهکشی می شود و کوهپایه‌ای خشک پدید می آورد که اگر آبیاری شود، برای کشت مناسب است. میان این کوهپایه و بیابان، سرزمینی که به معنی اخص بین‌النهرین خوانده می شود، گسترده شده بود. خطّه‌ای که دجله و فرات در میان جلگه‌های آن روان است و منطقه‌ای نیمه‌خاکی-نیمه‌آبی است که در آن سرریز طغیان‌ها به مناطق پست «هور»، که خود سراسر دریاچه و مرداب است، فرو می ریزد. (Jacob Lassner, 1963, vol. 83, 464-469). با این نگاه، آب در بین‌النهرین، به دلیل خشکی اقلیمش، نقشی اساسی ایفا می کند. حال با توجه به ویژگی‌های طبیعی مساعد منطقه برای زراعت و تأمین تغذیه می بینیم که اهمیت آن در مکان‌یابی شهر بالا بوده است. دشت‌های آبرفتی و زمین‌های حاصلخیز بغداد چشم طمع هر فاتحی را به خود جلب می کرده است. رود دجله از وسط شهر بغداد می گذرد و پس از تلاقی با رود فرات به شط العرب موسوم میگردد. (مستوفی، ۱۳۷۸: ۳۴) وجود خاک مناسب و زمین‌های آبرفتی حاصلخیز از عوامل مثبت و تأثیرگذار جغرافیایی است که سبب رشد و رونق کشاورزی و به تبع موقعیت اقتصاد منطقه و مردم آن شده است. (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۱-۱۳) (Khalil's, 1974: 2/28-25) (Pao-Yu Oei, 2014: 8-9) سرزمین بغداد از

۱. Le Socle Precambrian. تختان به زمین افقی و تقریباً هموار کناره رودخانه یا لبه درّه، و پیش کامبرایی به دوره زمین‌شناسی پیش از دوران دیرزیوی

که در حدود ششصد میلیون سال پیش پایان یافته است، گفته می شود.

۲. Cones de dejection رسوبات پنجه‌ای شکل که یک رودخانه پس از عبور از یک گذرگاه تنگ و ورود به یک دشت پهناور از خود به جای می گذارد.

لحاظ آب و هوا، ارتفاع، شیب، خاک و منابع آبرفتی برای استقرار یک شهر بسیار مناسب بود؛ نقشه شیب این شهر نشان می‌دهد بالای ۹۰ درصد از سطح شهر دارای شیب ۰ تا ۴ و از نظر جغرافیایی در محدوده بهترین شیب برای استقرار شهری بوده است (Jacob Lassner. 1970. 67-71)



شکل ۱: نقشه شیب محدوده شهر بغداد (ترسیم نگارندگان)

نوع خاک، شیب زمین و مساعدبودن ناحیه برای استقرار شهری، نشان می‌دهد که این شرایط اهمیت به‌سزایی در مکان‌یابی و توسعه بغداد داشته است. حکومت اسلامی نیز برای تداوم حیات اقتصادی مباحثی چون حمایت از کشت و زرع در زمین‌های بایر را در مباحث نظری فقه اسلامی بازتاب داده و حتی از آن به‌عنوان عبادت یاد کرده است. (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۱-۱۳) اصلاحات خلفا در دوره عباسی ازجمله مهدی عباسی و اقدامات مأمون در باغ و بوستان‌ها، همچنین نظارت بر چگونگی غرس کردن گل‌ها و گیاهان در رسیدن به محصولات بیشتر و بهتر بیانگر اهمیت موضوع کشاورزی است. (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲۳۵/۱) علاقه معتصم و واثق به‌امر زراعت، حاکی از جایگاه مهم این‌رکن از اقتصاد در توسعه بغداد است (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۳۶-۳۷)؛ این موضوع را می‌توان با یک‌نمونه موردی در حدیث «الزَّارِعُ تاجِرٌ رَّيَّةٌ» مثال زد و به جایگاه برجسته کشاوری در اسلام پی برد. (طباطبائی، ۱۳۶۱: ۱۵۶/۱)

براساس گزارش‌های منابع تاریخی و جغرافیایی به‌نظر می‌رسد در دوره آغازین عباسیان توجه به‌رشد و تطوّر کشاورزی یکی از اهداف اصلی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بود و منابع طبیعی از زمین‌های کشاورزی با بسترسازی اقتصادی و صرف هزینه مورد توجه قرار گرفت؛ (ابن خلدون، ۱۹۹۲: ۸۰۷، ۲) به‌طوری که در بغداد و نواحی پیرامون آن بنا بر سیاست‌گذاری خلفا، هرکس به‌عمران زمین بایری می‌پرداخت، زمین از آن او می‌شد. (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۴۷: ۱؛ Sayyad, Nezar: 1991، 54-55) بی‌شک افزایش سکونت جمعیت و تأمین نیاز به خوراک از مهم‌ترین علل رونق اقتصاد کشاورزی بغداد بود. در این دوره، رشد شهرنشینی نیز همزمان با توسعه

شهرسازی در اطراف دجله و فرات موجب افزایش تقاضای جوامع شهری و در نهایت رونق کشاورزی گردید؛ (لسترنج، ۱۳۶۴: ۸۹) تا جایی که بسیاری از منابع جغرافیایی در این دوره به کشاورزی پُرونق در بیشتر نواحی بین‌النهرین سفلی به سبب حاصلخیزی ناشی از وجود رافدین اشاره داشته‌اند و اساساً هر جا که یکجانشینی و شهرنشینی رشد و توسعه داشت، نیاز به محصولات کشاورزی و خوراک برای جمعیت آن گسترش می‌یافت.

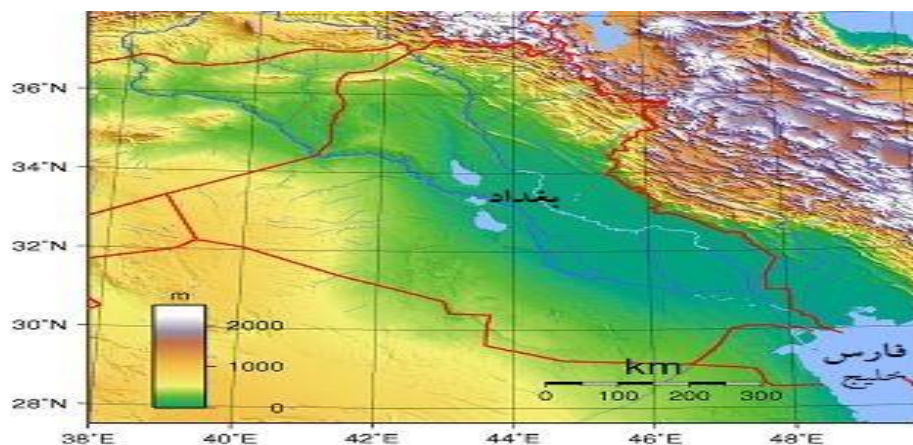
گسترش یکجانشینی به تدریج زمینه رونق کشاورزی را فراهم نمود که از آن جمله می‌توان به پرورش و کاشت محصولات چون خرما که با شرایط آب و هوایی این مناطق سازگاری زیادی دارد، اشاره کرد. این امر ماهیت پادگانی و نظامی برخی از شهرها را به سمت ماهیت شهرنشینی و کشاورزی تغییر داد و رکن مهمی در توسعه اقتصادی محسوب شدند. (قزوبنی، ۱۹۹۸، ۳۱۳) کشاورزان مسلمان نیز به علت تعامل با مردم بومی پس از فتح سرزمین‌ها با نحوه کشاورزی و باغداری آشنا شده و در زمره کشاورزان متبخر در آمدند و با توجه به شرایط اقلیمی نواحی و پی‌بردن به اهمیت کوددهی زمین، کشاورزی پُرونقی را در شهرهای حوالی دجله و فرات به وجود آوردند که نقش اساسی در رشد و پیشرفت اقتصادی بغداد داشت. (مستوفی، ۱۳۷۸: ۷۳)

به طور کلی چگونگی زراعت در هر منطقه با شرایط اقلیمی سرزمین‌ها از جمله آب و هوا، ساختار زمین‌شناسی و منابع آبی مرتبط است. در شرایط طبیعی گوناگون، نوع و میزان برداشت محصول نیز تفاوت خواهد داشت؛ هرچند که نحوه آبیاری نیز در تفاوت میزان و نوع محصول بی تأثیر نخواهد بود. براین اساس می‌توان گفت در حاشیه دو رود دجله و فرات و با توجه به وجود نهرها و شاخه‌های منشعب از رودها تنوع محصولات کشاورزی و قابلیت بهره‌وری بیشتر در محصولات کشاورزی دیده می‌شود. محصول خرما در دوره‌های مختلف تاریخی در حدی بود که خوراک اصلی مردم بغداد را تشکیل می‌داد و شهرتش به گونه‌ای بود که از بصره تا یمن و هجر به «مزرعه خرماي جهان» معروف گردید (اصطخری، بی‌تا: ۹۱؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۷۸/۱؛ ابن رسته، ۱۳۱۲: ۹۰) محصول دیگری که در بغداد رشد چشمگیری داشت، برنج بود. (ابن وحشیه، ۱۴۱۸: ۴۷/۱) از آنجا که رشد برنج نیازمند آب فراوان است، می‌طلبید که با حفر کانال، قنوات و نحوه آبیاری سازماندهی شده، شرایط رشد این محصول را فراهم کرد (لسترنج، ۱۴۲۷: ۹۳) و چون برنج تابستانی بهتر از زمستانی است، در هوای گرم بغداد تنها با یک سیستم آبرسانی منظم که بی‌شک در کانون توجه نهادهای حکومتی بود، امکان کشت این ماده غذایی را که نقش مؤثری در شکوفایی اقتصادی بغداد، چه از طریق صادرات و چه تأمین غذای ساکنان داشته، مهیا شود. (ابن وحشیه، ۱۴۱۸: ۴۸/۱)

۲-۳. توپوگرافی بغداد

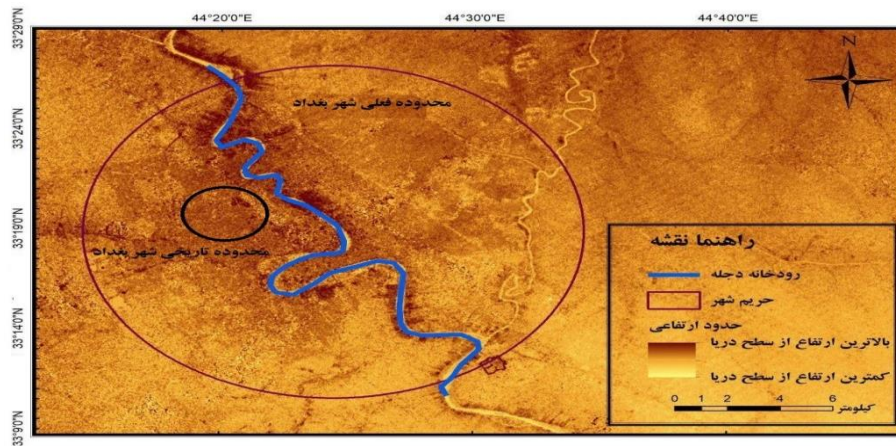
به مطالعه سطح زمین برای تعیین عوارض طبیعی (کوه، دره، رود) و عوارض مصنوعی (جاده، ساختمان و غیره)، عارضه نگاری یا اصطلاحاً «توپوگرافی» (Topography) می‌گویند؛ لذا ساختار زمین‌شناسی و نوع اقلیم هر منطقه می‌تواند نقش به سزایی در ساختار اقتصادی آن داشته باشد. توپوگرافی و شرایط طبیعی بغداد که

در این منطقه نقش تعیین کننده زیستگاه آدمی را داشته، راه‌های عبور و مرور را نیز رقم زده است. هدف از وجود این راه‌ها ایجاد ارتباط میان جوامع انسانی و از میان برداشتن حداکثر موانع موجود در این مسیر است. بنابراین از آنجا که مردم بر کرانه‌های این رودخانه‌های بزرگ و نه‌رهای منشعب از آن‌ها، یعنی آنجا که دیوارها و آب‌بندها جای دارد، گرد آمده‌اند، همین دیوارها به صورت راه‌های طبیعی عبور و مرور نیز به کار رفته است؛ (Pao-Yu 10-12: Oei, 2014). برعکس، نقاط پست بین‌النهرین که محل دریاچه‌ها و باتلاق‌ها یا نقاطی است که به آسانی در طغیان آب غرق می‌شوند، همواره خود موجد موانعی بوده‌اند که هزار بار از کوهستان‌ها صعب‌العبورترند و هیچ‌گاه جاده بزرگی از میان آن‌ها گذر نکرده است. در واقع فراوانی مسیرهای رفت‌وآمد ساخته دست بشر در بغداد و توپوگرافی آن، نقش به‌سزایی در ساخت و شکل‌گیری شهر داشته است.



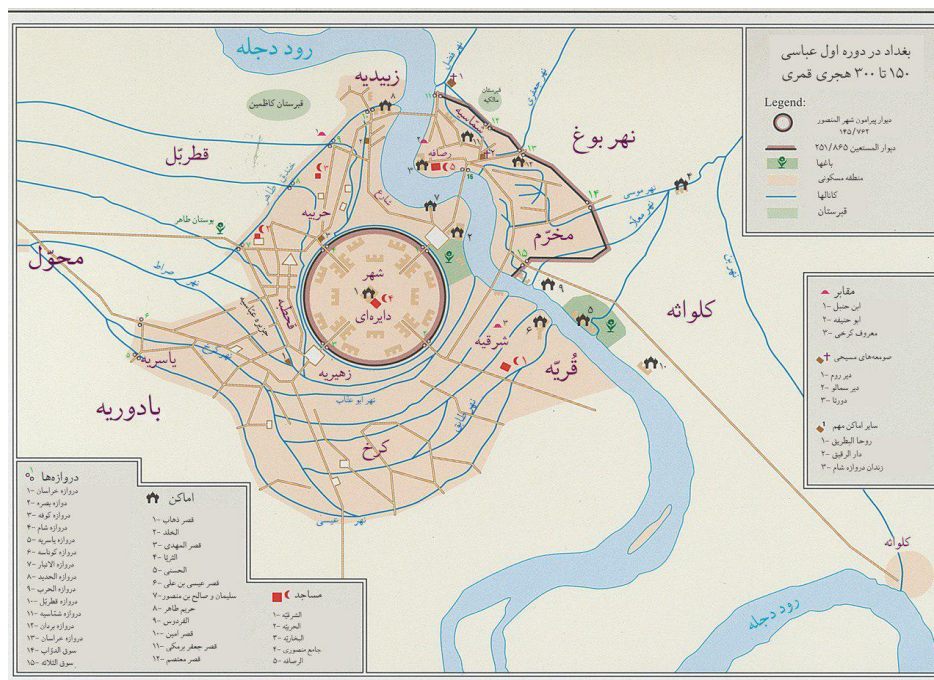
شکل ۲: توپوگرافی شهر بغداد

در ساختار توپوگرافی منطقه، پل‌ها همواره نقش اساسی در ایجاد ارتباط مابین دو ناحیه که در جوانب مختلف یک رود یا نهر قرار دارند، ایفا کرده‌اند. به‌نظر می‌رسد کارکرد حمل‌ونقلی و مواصلاتی آن‌ها در ایجاد ارتباط از عوامل اصلی اقدام حکومت‌ها به تأسیس آن‌ها است. از نمونه‌های پل‌سازی و مرمت پل‌های به‌جای مانده از عصر ساسانی در دوره عباسی، می‌توان به پلی بر روی نهر نهروان اشاره کرد که وظیفه ارتباط دو ناحیه را داشت. (لسترنج، ۱۴۲۷: ۲۰۵) در کنار سازه‌های به‌جای مانده از ساسانیان، عباسیان نیز به ساخت انواع پل‌ها پرداخته‌اند که از جمله مهم‌ترین آن می‌توان به پل پوران (ابن رسته، ۱۳۱۲: ۵۳) در زمان خلافت مأمون که بنا به‌دستور زوجه مأمون احداث گردید و پل وصیف که بر روی نه‌ری منشعب از دجله توسط وصیف، سرکرده قراولان خاصه معتصم عباسی (حك، ۲۱۸ هـ) ساخته شد، اشاره کرد. (لسترنج، ۱۴۲۷: ۷۳)



شکل ۳. نقشه ارتفاع محدوده شهر بغداد (ترسیم نگارندگان)

علاوه بر این‌ها در کنار پل‌های تأسیس شده بر روی نهرهای مصنوعی، بر سرشاخه اصلی دجله نیز پیش از ساخت بغداد، طاقی ساخته شده بود که مردم بر سر آن طاق گذر می‌کردند که همه این سازه‌ها در فراهم کردن زمینه‌های رفاه و سرعت بخشی به توسعه ارتباط از جایگاه برجسته‌ای برخوردار بود. در کنار نهرها و شعب متعدد آن احداث سدها به عنوان سازه‌های مکمل نهرها، بخش دیگری از سیاست دولت‌ها است. از سوی دیگر، احداث سدها نقش بارزی در کنترل و هدایت جریان آب و رونق شهرنشینی در نواحی مختلف عراق ایفا می‌کرد؛ زیرا که تأسیسات آب‌رسانی منجر به گسترش شهرنشینی و بالطبع گسترش شهرنشینی منجر به روی آوردن جوامع به تولید کشاورزی و در نهایت شکوفایی اقتصادی می‌شد. (ابن خلدون، ۱۹۹۲: ۷۵/۱) در بخش سازه‌های مرتبط با دجله نیز پل‌هایی برای انجام فعالیت‌های ارتباطی احداث گردید که می‌توان تا حدودی میان ساخت این سازه‌ها با سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دولت‌ها ارتباط مستقیمی برقرار نمود. این سیاست‌ها به منظور گسترش فعالیت‌های ارتباطی و تجاری بوده و از این حیث شناسایی پل‌ها از جوانب مختلف حائز اهمیت است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به پل کوئی بر روی نهر ملک که از سنگ و چوب ساخته شده بوده و گذرگاه افرادی بود که از بغداد به سوی کوفه در حرکت بودند، اشاره کرد. (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۶-۱۳؛ Lassner, Jacob, 1970: 459-460) همچنین باید از پلی معروف به پل دُمّا روی نهر عیسی که ساحل فرات را به دهکده فلوچه اتصال می‌داد (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۵۲/۱)، پلی بر نهر صرصر که راه کوفه از آن می‌گذشته (ادریسی، ۱۴۰۹: ۶۸۸/۲) است، پل تعبیه شده بر نهر ملک، قنطره الماسی بر نهر نیل و پل قامغان بر روی نهر سورا و همچنین پل رومیان بر نهر گرخایا که از فرات منشعب می‌شود، نام برد (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۶) که همگی از جایگاه مهمی، هم در گسترش فعالیت‌های تجاری و هم ارتباطات شهری بغداد، برخوردار بوده‌اند.



شکل ۴: ساختار تأسیسات شهری بغداد در دوره اول خلافت عباسی (۱۵۰ - ۳۰۰ هـ) (ترسیم نگارندگان)

با توجه به توپوگرافی ناحیه، راه به عنوان یک عامل بسیار مهم و مؤثر، پیشینه‌ای طولانی و نقشی با اهمیت در ایجاد شبکه ارتباطی در برقراری مناسبات گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در اجتماعات بشری به‌ویژه در شکل‌گیری شهر و بالاخص در پویایی و تحرکات اقتصادی بغداد داشته است؛ زیرا راه به مثابه شریان ارتباطی حیات بخش میان اعضای بدن انسان است که ارتباط دهنده و در مواردی اداره‌کننده فعالیت‌ها و تحرکات روزمره و قلب تپنده مبادلات به‌شمار می‌رود. شبکه‌های ارتباطی و جاده‌ها بخش مهمی از سرمایه‌های اقتصادی هر منطقه‌ای محسوب می‌شود که به دلیل اهمیتی که در حیات سیاسی و اقتصادی جوامع دارند، حکومت‌های متمرکز در طول تاریخ توجه خاصی به توسعه، نگهداری و تجهیز راه‌ها نشان می‌دادند. در دوره خلافت عباسیان نیز با انتقال مرکز خلافت جهان اسلام از شام به بغداد و تثبیت پایه‌های خلافت عباسیان، با توجه به موقعیت بغداد و قرار گرفتن آن در مسیر راه‌های شرق و غرب خلافت اسلامی توجه خاصی به راه‌ها شد که موجب رشد اقتصادی بغداد در دوره مورد نظر گردید. با توجه به اهمیت مسئله در این بخش به تأثیر راه و جاده‌های بغداد و نقش آن‌ها در تغییرات و تحولات شکل‌گیری و مکان‌یابی بغداد خواهیم پرداخت.

منصور در سال ۱۴۵ هـ ق ساختن شهر بغداد را بنا به دلایلی که در ادامه اشاره خواهیم کرد، آغاز نمود. به نظر می‌رسد یکی از علل آن، قیام راوندیه علیه او در هاشمیه بود. به خاطر تأمین امنیت و حفظ موقعیت و جایگاه خویش از آنان دوری گزید و به مکانی که امروز شهر بغداد واقع شده است، آمده و بطریقانی را که در آن نواحی

می زیستند، فراخواند و در این باره از آنان نظر خواست. آنان به همین مکان اشاره کردند و گفتند: «اگر در اینجا باشی، با کشتی‌ها خواروبار از شام و رقه و مصر و مغرب به سویت می آید (طبری، ۱۳۸۷ق: ۶۱۸-۶۱۷) و از هند و چین و بصره و واسط و جزیره و روم و موصل از راه دجله می آیند و از ارمینیه و آن سرزمین‌ها که بدان پیوسته است، از راه تامراتا زاب.» (ابن خلدون، ۱۹۹۲: ۳۶۰/۲؛ Khalil's, 1974: 2/34_35) آن‌ها بیان کردند که «تو میان چند رودخانه هستی که جز از طریق پل‌ها از آن نتوان گذشت و این‌ها همانند خندق‌هایی هستند که چون مسیر پل‌ها را قطع کنی، دشمن طمع دست‌یافتن به تو را نخواهد داشت. همچنین تو میان بصره و کوفه و واسط و موصل قرار گرفته‌ای، هم به دریا نزدیک هستی و هم به خشکی و کوه» (اصطخری، بی‌تا: ۵۹-۵۶؛ میرزا محمد، ۱۴۱۲، ۱۶-۱۲) به منظور نظارت بر شهر و تسهیل ارتباط در داخل و مراقبت از راه‌های کاروانرو در خارج، شهر به چهار بخش مساوی تقسیم می‌شد و هر بخش را نیز دو راه که از دروازه‌های متساوی آن آغاز می‌شد، تقسیم می‌کرد. محل بغداد را مابین دجله و فرات و دجیل و صراه که رشته‌های منشعب از فرات است، انتخاب کردند. بغداد به دلیل اینکه بر سر چهارراهی میان ایران، خلیج فارس، بین‌النهرین علیا و سوریه قرار داشت، از موقعیتی عالی برخوردار گردید. (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲۴/۲-۲۲)

شهر بغداد در محل تلاقی سه مسیر آبی یعنی بخش علیای دجله که به جانب موصل و ارمنستان می‌رود بخش سندی دجله که به طرف خلیج فارس و تنگه نهر عیسی که به فرات و سوریه منتهی می‌شد، قرار گرفته بود. ضمناً این نقطه تلاقی دو مسیر زمینی هم هست، یکی به جانب شمال شرق و در جهت غرب و جنوب غرب ایران و سپس آسیای مرکزی و دیگری به جانب جنوب غربی و در جهت عربستان و شهرهای مقدس مکه و مدینه امتداد می‌یافت؛ بغداد در فاصله مساوی بین بصره و موصل (شمال - جنوب) در مرکز بین‌النهرین قرار گرفته است. (طبری، ۱۳۸۷ق: ۶۱۵/۷-۶۱۴) موقعیت جغرافیایی آن، در میان مناطق شمالی-جنوبی بین‌النهرین، بغداد را با دشتی حاصلخیز و بازاری برای محصولات مختلف که از مناطق پیرامون می‌آمد، به کانون مهم اقتصادی تبدیل کرده بود. از این رو بغداد مرکز ترانزیتی بود که بسیاری از کاروان‌های تجاری (زمینی - دریایی) از آن عبور می‌کردند. (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۷-۴) آن گونه که از منابع برمی‌آید انواع کالاها به آسانی از مناطقی مانند هندوستان، آسیای صغیر، سند، چین، دیلم، خزر و حبشه وارد می‌شده است. (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۲۷۸) بغداد جایی بود که تمام ثروت جهان در آنجا جمع شده بود و تمام نعمت‌های جهان در آن وجود داشت. (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۹-۱۸) بدین ترتیب موقعیت جغرافیایی بی‌نظیر بغداد از لحاظ کشاورزی، تجارت (خشکی-دریایی) آن را با عمده مراکز تجاری آن روزگار مرتبط می‌ساخت؛ کشتی‌های بازرگانی از رودخانه دجله به طرف بصره و خلیج فارس می‌رفتند و از آنجا به -اقیانوس هند و بنادر شرقی عزیمت می‌کردند. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۷۹) درواقع توسعه و رشد بغداد به شدت متأثر از موقعیت توپوگرافی و شرایط طبیعی شهر بود.



شکل ۵: راه‌های تجاری بغداد در دوره اول عباسی (ترسیم نگارندگان)

۳-۳. دما و بارش

آب و هوای بغداد چنان متغیر است که حتی در چند ماهی که اصولاً فصل بارندگی است، بسیار اندک است و دمای هوا تقریباً در سراسر سال طاقت‌فرسا است. با توجه به میزان بارندگی سالیانه که از ۱۴۶ میلیمتر بیشتر نمی‌شود، باید گفت که بغداد در ناحیه‌ای تقریباً بیابانی جای گرفته است؛ زیرا اقلیم‌هایی را بی‌آب و خشک قلمداد می‌کنند که میزان بارندگی آن‌ها در سال معادل ۲۰۰ میلیمتر یا کمتر باشد. گذشته از این بارندگی‌های این سرزمین یکجا در فصل سرما جمع شده است؛ عملاً تنها در پنج‌ماه از سال یعنی از نوامبر تا مارس (آبان تا اسفند) باران می‌بارد. (placht, arkanda, 2007: 8-9) ماه‌های دیگر به شدت خشک است. تازه باید متوجه این نکته بود که در عرض پنج‌ماه به اصطلاح «مرطوب»، کمبود بارندگی تا بدانجاست که باید گفت صفت مرطوب برای آن در واقع نوعی حسن تعبیر است. این را هم باید افزود که میزان بارندگی سال به سال متغیر است. ناگزیر باید نتیجه‌گیری کرد که باران در این سرزمین عاری از مفهوم و اهمیت است. اگر آبی از خارج نرسد، هیچ حیاتی در بغداد نمی‌پاید؛ نه آدمیان برای آشامیدن چیزی خواهند داشت و نه برای گیاهان کاشت و برداشتی عملی است. باران بسیار کم و گرمای هوا زیاده از حد شدید است. (Pao-Yu Oei, 2014: 7-9) تغییر فاحش دمای هوا قبل از هرچیز به دلیل اندازه عرض جغرافیایی و به‌خصوص به سبب درون‌قاره‌ای بودن میان‌رودان است که در آن عوامل مؤثر دریای مدیترانه دیگر عملاً کارایی ندارد. دامنه دما میان ۲ / ۹ درجه در ژانویه و ۷ / ۳۴ درجه در ژوئیه متغیر است؛ بدین معنی که میان سردترین و گرم‌ترین ماه سال ۵ / ۲۵ درجه اختلاف وجود دارد و این تازه میانگینی ماهیانه است که مانند همه میانگین‌ها جنبه‌ای سطحی و ساختگی دارد. برداشت ما از این ارقام، که

مانند همه ارقام مجرد و اعتباری هستند، این است که آب و هوا در این سرزمین بسیار افراطی است، یعنی اُفت-وخیز شدید دارد. با این حال، این دما به سبب خشکی هوا قابل تحمل است و بغداد از این جهت کمتر رنج آور است. بغداد از این دیدگاه شهری خاص و ممتاز است؛ زیرا حتی در روزهای گرم تابستان هم تقریباً سه ساعت بعد از غروب آفتاب، گرما ناگهان فرو می افتد و همین به انسان مجال می دهد که لااقل چندساعتی در پاس دوم شب از هوایی نسبتاً خنک و استراحتی جسمی بهره مند شود. (bardy,khawar,1979:123-126) به طور کلی وجود منابع آبی دجله و فرات نقش به سزایی در ساختار کشاورزی و تجاری بغداد داشته است و با توجه به میزان کم بارش سالیانه مشکلی از بابت تأمین منابع آبی نداشته است. (Pao-Yu Oei,2014: 8_9)

۳-۴. موقعیت آبی بغداد

منابع آبی دشت بین‌النهرین کارکرد ویژه‌ای در ساخت و بنای شهر بغداد داشت و این شرایط طبیعی آبی موجب رشد و توسعه آن گردید. شاید بتوان جمله معروف هرودت که [تمدن] مصر را هدیه بزرگ نیل می داند، به بین‌النهرین نیز تعمیم داد و بیان کرد که دجله و فرات نیز هدیه‌ای به سرزمین بین‌النهرین است. (مجیدزاده: ۱۳۷۶: ۱/۳) رودها با ارزش‌ترین بخش بغداد محسوب می شدند که حیات اقتصادی آن در گذشته، مرهون وجود این دو رود بوده است (bardy,khawar,1979:25_28) و بنا به گفته مقدسی: «نهرهایش از بهشت است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۵۹/۱-۱۵۷) و آب شیرین و گوارا در اغلب شهرهای آن از جمله بغداد جاری است» (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۷-۱) بدین سبب اکنون برای تشریح مسئله به موقعیت طبیعی و تأثیرگذاری اقتصادی هریک از دو رود اصلی بین‌النهرین (دجله و فرات) و در نهایت انشعابات آن‌ها و کارکرد آن‌ها در توسعه بغداد خواهیم پرداخت:

الف. موقعیت دجله

دجله که در جانب شرقی فرات و از رودهای مهم عراق و دارای آبی روان، سبک و شیرین است. این شط که از ۱۲۲ کیلومتری علیای بغداد جریان می یابد، دارای عمق متوسط ۴۱ / ۷ تا ۴۳ / ۷ متر و شیبی ملایم و ضعیف است (دوری، ۱۳۷۵: ۷۵) که در ماه آوریل در اثر بارش‌های زمستانی حاشیه سطح آب آن به بالاترین حد و در پایان تابستان در اثر خشکی به پایین‌ترین حد می رسد؛ بنابراین میزان آب رود ارتباط مستقیمی با میزان بارش در طول سال داشته است. (همان، ۹۲) ضمن بررسی موقعیت طبیعی دجله، جغرافی‌نویسان متقدم سرچشمه این بزرگ‌رود را آب‌های توروس در شرق ترکیه کنونی در نظر گرفته و از آن به چلورس نیز یاد می کنند که تا حدودی با سواحل شمالی دریاچه وان هم‌عرض است. (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۲۸/۱-۱۲۶) دسته‌ای دیگر از جمله مقدسی، کوه‌های آمد را به عنوان سرچشمه رود در نظر می گیرند که هرچه به سمت پایین می رود بر طول آن افزوده می شود و آب‌هایی از کوهستان دیاربکر به آن متصل می گردد، سپس با گذر از میافارقین، قلعه کیفا (بروسوی، ۱۳۹۴: ۸۲)، جزیره، از موصل و تکریت، سپس بغداد، واسط، بصره و عبادان می گذرد و در نهایت به دریای فارس می پیوندد (قزوینی، ۱۹۹۸: ۳۲۱-۳۱۳). بهر حال به نظر می رسد مسیر این رود همواره در طول تاریخ یکسان نبوده و مجرای آن تغییر یافته است. (اوپنهایم، ۲۰۰۸: ۲۷۲/۲)

ب. تأسیسات آبرسانی و سازه‌های آبی

عراق به صورت کلی و بغداد به شکل خاص به زمین‌های پُریگاه و حاصلخیز آن مشهور است و شاید علت آن به سیستم استفاده از آب دجله و فرات و وجود نظام دقیق آبیاری و زمین‌های آبرفتی حاصلخیز که مناسب زراعت بود، بازمی‌گردد. این بستر حاصلخیز هر سال به واسطه آنچه رود دجله و فرات از آبرفت‌ها و رسوبات با خود می‌آورد، احیا و تجدید می‌شود. منطقه سواد (ناحیه‌ای آبرفتی) در اوقات آرامش و امنیت و وجود حکومت قوی که با دستانی آهنین بر تمام نقاط بغداد سیطره داشت، پربارتر و بهتر می‌شد. (Pao-Yu Oei, 2014: 7_8) عباسیان وارث این نظام آبیاری شدند و نه تنها بر آن محافظت داشتند بلکه گاهی اوقات نیز با حفر چاه و قنات و احداث سدها، بر باروری و حاصلخیزی آن افزودند و این سیستم را احیا کردند. نظافت و تمیز کردن نهرها ضرورتی مُبرم و فوری بود؛ چراکه دو رود دجله و فرات مواد معلق را با خود حمل می‌کنند که به تنهایی پنج برابر آن مقداری است که رود نیل با خود دارد. این دلیل روشن و ملموسی است بر اینکه از بین رفتن سیستم آبیاری تا اندازه زیادی به رسوباتی که دجله و فرات هنگام طغیان با خود حمل می‌کنند، بازمی‌گردد. عباسیان دیوانی به نام دیوان اُقرحه برای نظارت بر آبیاری و قنات‌ها داشتند (به معنی زمینی که مخصوص زراعت و نشان دادن درخت باشد، همچنین به معنی آب پاکیزه و صاف نیز هست). (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۳۲۲/۵)

بی‌گمان سازه‌ها و احداث تأسیسات آبرسانی مصنوعی از جمله نهرها، سدها، کانال‌ها، پل‌ها و بندها از اقدامات مورد توجه خلفای عباسی بوده است. از نمونه‌های متعدّد این تأسیسات و سازه‌ها می‌توان به نهر نهروان در شمال شرقی بغداد (ابن رسته، ۱۳۱۲: ۹۰)، نهر ملک (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۳۷/۱)، نهر کوئی (لسترنج، ۱۳۶۴: ۹۱-۹۲)، نهر ابواسد (لسترنج، ۱۴۲۷: ۶۴)، نهر ترس (لسترنج، ۱۳۶۴: ۸۱) و نهر صراه (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲۳۵) در جنوب غربی بغداد اشاره نمود که در دوره خلافت عباسی توجه ویژه‌ای جهت حفظ و مرمت آن‌ها مبذول گردید (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۷۱/۱) در دوران خلافت عباسی با توجه به موقعیت طبیعی منطقه، به منظور آبیاری مناطق اطراف دجله و فرات و ایجاد امکان زراعت و بهره‌وری بیشتر از زمین‌ها، حفر کانال‌ها و نهرها، احداث سازه‌های آبی و نظارت بر چگونگی بهره‌وری از آب این رودها را مورد توجه خود قرار داده بودند. خلافت عباسی به منظور کنترل جریان طبیعی آب رودها و ممانعت از طغیان‌های دجله که سه‌ویژگی وسعت دامنه، هم‌زمانی جریان و ناگهانی بودن سیل را در خود داشته‌اند، همواره سعی در حفظ و ایجاد کانال و بند برای مقابله با طغیان‌های احتمالی داشت؛ این در حالی است که این سیل‌بندها توانایی تخلیه آب بیش از ۷ تا ۸ هزار مترمکعب در ثانیه را نداشته و نتوانسته بین‌الته‌رین را از خطر طغیان‌ها و سیلاب‌های عظیم به دور نگه دارند. (دوری، ۱۳۷۵: ۹۱) اساساً در دوره خلافت عباسی توجه به ساخت انواع کانال‌ها و ترعه‌های جدید در کنار احیای سازه‌های به‌جای‌مانده از دوران ساسانی، در دستور کار خلفا بود و از آنجاکه تأسیس و حفر آبراهه‌های مصنوعی اقدامی هزینه‌بردار و نیازمند حمایت نهادهای غیرشخصی و به‌قولی حاکمیت مقتدر محلی و فرامحلی است؛ بنابراین حکومت عباسیان نیز هم از نظر سیاسی و هم اقتصادی در دوره آغازین، مقتدرانه چنین تأسیساتی را با هدف تحوّل شرایط اقتصاد وابسته به کشاورزی در دستور کار خود قرارداد.

همچنان که این اقدامات در کنار عامل اقتصادی، افزایش قدرت حاکمیت را در پی داشت و خود اسباب انگیزه خلفا نسبت به گسترش تأسیسات این چینی را فراهم می نمود.

از جمله سیاست های عمرانی دیگر می توان به اقدام منصور عباسی (حک: ۱۳۹ هـ) که به تأسیس کانال ها و ساخت ابزارهای انتقال آب به مکان های دور دست بغداد پرداخت و همچنین مهدی عباسی (حک: ۱۶۱ هـ) که دستور به تأسیس برکه ها داده و به حفر آن ها در کنار چاه ها فرمان داد، اشاره کرد. (طبری، ۱۳۸۷: ۷/۶۱۶) علاوه بر این سنجش میزان ارتفاع آب، مراقبت از کاهش و یا افزایش آن تا دوران خلافت واثق در برنامه کاری حکومت قرار داشت (حک: ۲۳۲ هـ) و به تدریج و با نفوذ ترکان سرانجام با افول مواجه گردید. به طور کلی در سراسر این دوره گروهی از کارگزاران توسط حکومت بر جریان آب ها و آبیاری دجله و فرات و چگونگی هدایت آب و بالا کشیدن آب های هدایت شده از طریق ابزارهایی چون دولاب، دالیه، ناعوره و زرنوق نظارت داشتند. (بلاذری، ۱۹۸۸: ۱۰۵؛ دمشق، ۱۳۸۲: ۱۴۳)

از جمله مهم ترین نهادهای منشعب از جانب شرق دجله می توان به رود تامرا و دیاله اشاره کرد که پس از رسیدن به شهر نهروان در دوازده میلی شرق بغداد، نام نهروان به خود گرفت. ظاهراً نام رود قبل از ظهور اسلام بیشتر به تامرا و سیروان مشهور بوده است و پس از اسلام نام دیاله بر آن نهاده شد. این نهر که هفت نهر مشهور از جمله جلولا، برذی، مهرود، براز الروز، نهر خالص، طابق و دنباله نهروان از آن منشعب می شده، با شاخه های خود بخشی از نواحی بغداد را سیراب می کردند. (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۱/۲۴۴؛ ابن خردادبه، ۱۹۹۲: ۱۹۱)

نهروان که بنا بر اقوالی از سازه های مهم پیرامون بغداد بود و درختان و نواحی شرقی آن را مشروب می کرد، از برخی جهات همواره مورد توجه قرار می گرفت. این توجه از آن نظر بود که در صورت عدم اقدام به حفر این نهر، هنگام طغیان دجله آب های مزبور تمام پیرامون آن را فرامی گرفت؛ بنابراین رسیدگی به مرمت و حفظ آن در دستور کار خلفا بود. (ابن رسته، ۱۳۱۲: ۹۰) کمی پایین تر از نهروان سه نهر کوچک با نام های یهودی، مأمونی و ابوالجند در دو فرسخ جنوب سامرا به نهروان ملحق می شدند و سراسر ناحیه جنوبی نهروان را مشروب می کردند. (ابن سراپیون، بی تا: ۲۰۶) نهر مدار نیز که از قسمت شرقی دجله منشعب می شود و زمین های اطراف خود را آبیاری می کند (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۱۹۱)، همه از سازه های منسوب به ادوار قبل از اسلام به ویژه ساسانیان بوده اند که در دوره اول خلافت عباسی، اهمیت ویژه ای به نگهداری و بازسازی آن ها شده بود. در کنار رودهای مشهور نام برده که عمدتاً از زمان ساسانیان به جای مانده بود، منابع جغرافیایی در ذکر سایر انشعابات دجله تنها به ذکر نام برخی نهرها بسنده کرده و توضیح مستقلی درخصوص موقعیت و ویژگی های آن ها ارائه نکرده اند (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۲۹)؛ از جمله می توان به نام رودهای ذکر شده توسط ابن سراپیون از جمله میسان، دقله، نهر سبب (ابن سراپیون، بی تا: ۲۰۶)، نهر قریش و نهر بردودی اشاره کرد.

در گزارش ابن سراپیون به این نکته اشاره شده است که این نهرها از ساحل راست دجله در بخش های شمالی آن جدا شده اند و به سمت غرب در جریان هستند. ابن سراپیون در خصوص آخرین مورد از نهرهای انتهایی دجله

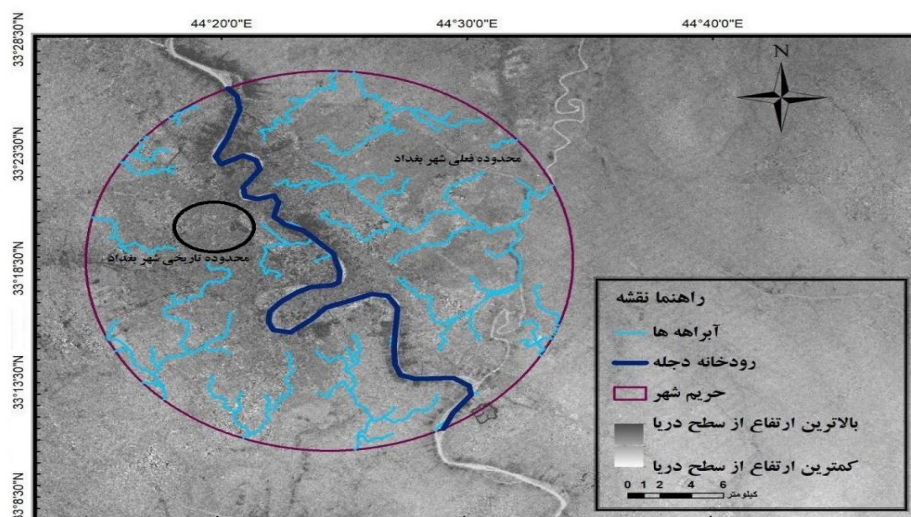
گزارش می‌دهد که بردودی از روستای شدیدیه در غرب دجله جدا می‌شود و در نهایت به بطن می‌ریزد. (همان، ۱۲۹) از دیگر نه‌های مهم حفر شده در بغداد می‌توان به نه‌ر دجیل که نخستین شاخه از دجله در جهت بالای بغداد است، اشاره نمود. (لسترنج، ۱۴۲۷: ۷۳؛ ابن سربون، بی‌تا: ۱۳۱) این نه‌ر نیز به امر منصور برای آبیاری نواحی و روستاهای اطراف بغداد و تکریت در جنوب سامرا چون حربی، مسکن، بلد و مطیره در نظر گرفته شده بود. (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲۳۴/۱؛ اصطخری، بی‌تا: ۸۵) نه‌ر دیگری که منسوب به ساسانیان است، نه‌ر صراه در قسمت غربی بغداد بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۷۳/۱؛ Khalil's, 1974: 2/25_28) که در ادوار اسلامی از جمله دوره اول خلافت عباسی به توسعه آن توجه ویژه‌ای گردید؛ به عنوان مثال می‌توان به اقدام مأمون عباسی در جهت گسترش نه‌ر اشاره نمود (بغدادی، ۱۴۱۷: ۷۹/۱) که این نه‌ر بغداد را دور میزند تا به انبار برسد. (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲۳۲/۱؛ ابن سربون، بی‌تا: ۱۳۱) از فاضلاب‌های نه‌ر عیسی فراهم می‌آمد. (اصطخری، بی‌تا: ۸۵؛ بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۴۰۰/۳) اندکی پایین‌تر از این-نه‌ر، نه‌ر خندق منشعب می‌شود. (ابن سربون، بی‌تا: ۱۳۹؛ ادربیسی، ۱۴۰۹: ۶۵۶/۲) این نمونه‌ها خود حاکی از اهمیتی است که خلفای عباسی برای احداث سازه‌های آب‌رسانی و گسترش آن‌ها به منظور رونق عمران و آبادی قائل می‌شده‌اند و در آن از هیچ‌گونه اقدامی از جمله صرف هزینه‌های هنگفت و به کارگیری متخصصان کوتاهی نمی‌کردند. به طور کلی علاوه بر نه‌رهای مذکور، هزاران نه‌ر کوچک و بزرگ دیگر از فرات و دجله در جریان بوده که در منابع به طور اجمالی به ذکر نام آن‌ها اشاره گشته است، از جمله نه‌ر صرصر که زیر روستای دما قرار دارد، نه‌ر گلاب، قلابین، گرخایا و رزین که همگی از سازه‌های فرات محسوب می‌شوند. (ابن سربون، بی‌تا ۱۲۴)

د. مخاطره سیل خیزی شهر بغداد

رودخانه‌ها ضمن اینکه چشم‌انداز بسیار زیبایی برای شهرها ایجاد می‌کنند، اگر حریم آن‌ها رعایت نگردد، در هنگام طغیان برای ساکنین شهر خطر آفرین خواهند بود. سیل یک جریان آب شدید استثنایی است که ممکن است از بستر رودخانه لبریز شده و اراضی اطراف بستر را اشغال نماید. (حسین، ۱۳۸۲: ۱۳۷-۳۸) شط دجله با توجه به اهمیت بسیاری که در رونق تجارت و کشاورزی بغداد داشت و مهم‌ترین راه درآمدزایی دارالخلافه به شمار می‌رفت، همواره برای ساکنانش دردسرها فرین بود؛ در واقع مشکل بزرگ بغداد سیل‌های مکرر دجله بود. (Pao- Yu Oei, 2014: 7_8) طغیان‌های مکرر دجله و فرات، علاوه بر آنکه خسارات بسیاری به خانه‌ها، مراکز کسب و زمین‌های مزروعی اطراف شط می‌زد، موجب توقف موقت حرکت کشتی‌ها و کاهش واردات کالا به شهر می‌شد. نابودی محصولات زراعی و کاهش واردات نیز همواره افزایش قیمت را به دنبال داشت. (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۵۸۶/۷) علاوه بر خطر طغیان، نقصان آب دو رودخانه دجله و فرات هم موجب بروز مشکلات اقتصادی در بغداد می‌شد. پایین رفتن سطح آب دجله و فرات در حرکت کشتی‌ها اختلال ایجاد می‌کرد.

بدین ترتیب، وقوع سیلاب‌ها و نزول باران و نابسامانی اوضاع بغداد به دلیل شرایط جوی، از بدو تأسیس شهر بغداد امری رایج بوده است. آنچه بر وخامت اوضاع می‌توانست بیافزاید، سوءمدیریت، تلاش‌های ناکافی

و نامستمر حکام و عدم مقابله صحیح با بحران‌های ناشی از شرایط جوی بود که نتیجه‌ای جز ویرانی بغداد به بار نیاورد. فیضان و نقصان آب دجله و فرات همواره به زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها آسیب زده و موجب نابودی محصولات می‌شد؛ در نتیجه، بازار با کمبود محصولات کشاورزی مواجه می‌گشت و قیمت محصولات بالا می‌رفت. از سوی دیگر، طبقه ضعیف جامعه امکان خرید محصولات را نداشته، با فقر و گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کردند. در این میان مهندسان طراحی شهر با توجه به این موقعیت آبی خاص شهر سعی کردند از آب‌بندها، نهرها، سدها و تأسیسات دیگری برای انتقال مسیر آب و جلوگیری از تخریب بالا استفاده نمایند. (Khalil's, 1974:2/25_28) به‌طورکلی با توجه به شیب مناسب زمین و نوع پوشش گیاهی، امکان تقسیم آب در این جلگه آبرفتی همواره میسر بوده است. نقشه زیر شیوه تقسیم سطحی آب در دشت میان‌رودان را نمایش می‌دهد.



شکل ۶: نقشه تقسیم آب‌های سطحی شهر بغداد (ترسیم نگارندگان)

۴- نتیجه

منطقه بین‌النهرین با توجه به شرایط زیست‌معمیشتی، وضعیت سوق‌الجیشی، همجواری تمدن‌های کهن، انباشت اقتصادی-فرهنگی و قدمت سکونتگاه‌های شهری، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تمدن شهری در طول تاریخ بشر محسوب شده است. در این‌میان شهر بغداد که در سده دوم هجری در مرکزیت این حوزه قرار گرفت، به‌واسطه مکان‌یابی هوشمندانه توانست پس از تأسیس (۱۴۵ هـ) به‌سرعت رشد و توسعه روزافزونی کسب نماید. مهم‌ترین ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی منطقه ازجمله واقع‌شدن در دشتی حاصلخیز، شیب و ارتفاع مناسب، نوع پوشش گیاهی، میزان دما و بارش، منابع کافی آب‌های سطحی و زیرزمینی، موقعیت مناسب ارتباطی و ژئوپلیتیکی منطقه، نقش و تأثیر به‌سزایی در مکان‌یابی و توسعه این‌شهر به‌عنوان مرکز دارالخلافه اسلامی داشته است. چنانکه با بررسی نقشه‌ها و به‌کارگیری مدل‌های جغرافیایی نیز مشخص گردید که این-شرایط به‌عنوان پتانسیل طبیعی و جغرافیایی مؤثر در فرایند استقرار و توسعه موزون شهری، در عمل موجب صرفه‌جویی در هزینه برقراری امنیت به‌واسطه وجود حوزه‌های باتلاقی، بهره‌گیری از موقعیت مناسب آبی و حوزه‌های آبرفتی جهت کشاورزی، سهولت در تأمین مواد غذایی، بهره‌برداری ویژه از شرایط اقلیمی مناسب برای تسهیل روند تجارت و از همه مهم‌تر ثبات و پایداری بغداد به‌عنوان یکی از مراکز مهم تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی جهان اسلام به مدت پنج سده گردید.

منابع و مآخذ

۱. ابن حوقل، صورة الأرض، بیروت: دارالصادر، ۱۹۳۸.
۲. ابن خردادبه، مسالك و ممالك، بیروت: دارالصادر-لیدن، ۱۹۹۲.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون (العبر و دیوان المبتدا)، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲.
۴. ابن رسته، الاعلاق النفیسه، لیدن: مطبعة بریل، ۱۳۱۲.
۵. ابن سراپیون، سهراب، عجائب الأقالیم السبعة إلى نهاية العمارة، مطبعة أدولف هولز، هوزن-وین، بی.تا.
۶. ابن فقیه، احمد بن محمد، البلدان، مصحح: یوسف هادی، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۶.
۷. ابن کثیر، البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷.
۸. ابن وحشیه، احمد بن علی و توفیق فهد، الفلاحه النبطیه، دمشق: المعهد العلمی الفرنسی للدراسات العربیه، ۱۴۱۸.
۹. ابو الفدا، تقویم البلدان، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
۱۰. ادریسی، محمد بن محمد، نزهة المشتاق فی اختراق الافاق، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۹.
۱۱. اشرف، احمد، ویژگیهای تاریخی شهر نشینی در ایران - دوره اسلامی. مجله: نامه علوم اجتماعی. شماره ۴. ۱۳۵۳.
۱۲. اصطخری، ابراهیم بن محمد، المسالك و الممالك، بیروت: دارالصادر، بی.تا.
۱۳. اوپنهایم، ماکس فرایر فون، «من بحر المتوسط الى خليج»، لندن: دارالوراق، ۲۰۰۸.
۱۴. بروسوی، محمد بن علی، اوضح المسالك الى معرفه البلدان و الممالك، تصحیح المهدی عبدالرواضیه، ترجمه حسین قرچانلو، تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۴.
۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت: دارالمکتب الاحیا، ۱۹۸۸.
۱۶. بلعمی، تاریخنامه طبری، مصحح: محمد روشن، سروش، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۷۵.
۱۸. حسن ابراهیم حسن، تاریخ سسیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۸۵.
۱۹. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد أو مدینة السلام، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۷.
۲۰. دایره المعارف بزرگ اسلامی، مجموع نویسندگان، ذیل مدخل بغداد، آنلاین.
۲۱. دمشق، محمد بن ابیطالب، نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر، تصحیح آگوست فردیناند، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲.

۲۲. دوری، عبد العزیز و دیگران، بغداد (چند مقاله در تاریخ و جغرافیای تاریخی)، ترجمه دومینیک سوردل و اسماعیل دولتشاهی، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۳. دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، نی، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۲۴. صدر، احمد رضا حاج سید جوادی، دایره المعارف بزرگ تشیع، زیر نظر بهالدین خرمشاهی، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۵.
۲۵. طباطبائی، حسین، زمین در فقه اسلامی، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
۲۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوك)، بیروت: روائع التراث العربی: ۱۳۸۷ ق.
۲۷. لسترنج، گای، بلدان الخلافة الشرقیة، نجف: مکتبه الحیدریه، ۱۴۲۷.
۲۸. _____، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی (بین النهرین، ایران و آسیای مرکزی)، ترجمه محمود عرفان، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۴.
۲۹. قزوینی، زکریا ابن محمد بن محمود، آثار البلاد و اخبار العباد، بیروت: دارالصادر، ۱۹۹۸.
۳۰. مجید زاده، یوسف، تاریخ و تمدن بین النهرین، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.
۳۱. مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب با مقابله و حواشی و تعلیقات و فهارس، قزوین: نشر طه، ۱۳۷۸.
۳۲. مسعودی، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
۳۳. مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.
۳۴. نگارش، حسین، «کاربرد ژئومورفولوژی در مکان گزینی شهرها و پیامدهای آن»، جغرافیا و توسعه ۱، ش. پیاپی ۱ (۱۳۸۲): ۱۳۳-۵۰.
۳۵. یاقوت حموی، معجم البلدان، بیروت: دارالصادر، ۱۹۹۵.
36. یعقوبی، احمد بن اسحاق، البلدان، مصحح محمد امین ضناوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۲.

1. Akanda, A., Freeman, S. and Placht, M. *The Tigris-Euphrates River Basin: mediating a Path towards Regional Water Stability*. Tufts University. 2007.
2. Al-Sayyad, Nezar, *Cities and Caliphs: On the Genesis of Arab Muslim Urbanism*. New York: Greenwood Press, 1991.

3. Badry, M. M., Mehdi, M. S. and Khawar, J. M, *Water resources in Iraq. In: Irrigation and Agricultural Development. A joint publication of ECWA, FAO and the Foundation for Scientific Research of Iraq, edited by S.S. Johl. Pergamon Press. 1979.*
4. Ellis, William, "The New Face of Baghdad", *National Geographic* 167, no. 1 (1985): 80–109.
5. Encyclopedia Iranica Foundation, New York, NY 10025 Inc. Vol. III, Fasc. 4. online.
6. H. A. R. Gibb, J. H. Kramer's, E. \, J. Schacht. *Encyclopedia of Islam*. Vol I. Leiden E. J. Brill 1986.
7. Huda, "Baghdad in Islamic History", *Learn Religions*, Feb. 11, 2020, learnreligions.com/baghdad-in-islamic-history-2003.
8. JACOB LASSNER, THE CALIPH'S PERSONAL DOMAIN: THE CITY PLAN OF BAGHDAD REEXAMINED. *Kunst des Orients*. Vol. 5, H. 1 .pp. 24-36 (13 pages). Published By: Franz Steiner Verlag. (1968).
9. _____, *The Topography of Baghdad in the early middle Ages: Text and Studies*. Detroit: Wayne State University Press, 1970.(Jacob Lassner. 1970. 67-71)
10. _____. Notes on the Topography of Baghdad: The Systematic Descriptions of the City and the Khaṭīb al-Baghdādī. *Journal of the American Oriental Society*. Vol 1. 83, No. 4 (1963), pp. 458-469. Published By: American Oriental Society
11. Khalil's II. Al-Ashad, M.a. The Ullman Geography OF Baghdad. Thesis Presented for the degree of doctor OJ? Philosophy IN the university pf Newcastle upon tyne .march, 1974.
12. Pao-Yu Oei, Markus Siehlow, *An Optimal Allocation of Water Resources in Turkey, Syria and Iraq*. Deutsches Institut für Wirtschaftsforschung, 2014.